

بانک‌ها زیر بار تکلیف ۲۰ درصدی مسکن نرفتند؛ هشار مجلس به متخلفان



عضو کمیسیون شورا‌های مجلس با انتقاد از عملکرد بانک‌ها در پرداخت تسهیلات ساخت مسکن گفت: بانک‌ها به تکلیف قانونی خود مبنی بر اختصاص ۲۰ درصد تسهیلات به بخش مسکن عمل نکرده‌اند و دولت باید با بانک‌های متخلف برخورد کند.

صنعت مسکن به دلیل ارتباطات پیشین و پسین با حدود ۲۰۰ صنعت دیگر از جمله مصالح ساختمانی، فولاد، سیمان، گچ، شیشه، در و پنجره، حمل‌ونقل و لوازم خانگی، نقش مهمی در رونق اقتصادی دارد؛ از این رو رونق ساخت‌وساز می‌تواند فعالیت بسیاری از صنایع و مشاغل مرتبط را نیز افزایش دهد.

قانونی که بانک‌ها اجرا نکردند

«سیدمرتضی محمودی» عضو کمیسیون شورا‌های مجلس در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصادی خبرگزاری فارس اظهار کرد: با وجود ابلاغ برنامه هفتم توسعه به دولت و سیاست‌های مربوط به تولید مسکن حمایتی در قالب طرح اقدام ملی و نهضت ملی مسکن، تکالیف قانونی برای تأمین مالی و اعطای تسهیلات ساخت مسکن به مردم تعیین شده است.

وی افزود: تأمین مالی ساخت مسکن یکی از تکالیف مهمی است که در قانون پیش‌بینی شده، اما از ابتدای فعالیت دولت چهاردهم، روند ساخت مسکن نزولی بوده و شاهد فرار بانک‌ها از انجام تعهدات خود در قبال مردم و پرداخت تسهیلات هستیم.

محمودی با اشاره به تکلیف قانونی بانک‌ها برای اختصاص ۲۰ درصد منابع خود به تسهیلات مسکن گفت: این سهم تاکنون به شکل مطلوب محقق نشده و عملکرد بانک‌ها در این زمینه با اهداف قانون فاصله دارد.

درخواست مجلس برای برخورد با بانک‌های متخلف

نماینده تهران در مجلس ادامه داد: از وزارت راه و شهرسازی و ریاست جمهوری انتظار داریم پیگیر اجرای قانون باشند و بانک‌ها را به انجام تعهدات خود در حوزه مسکن ملزم کنند.

وی تأکید کرد: بانک‌ها باید ۲۰ درصد از تسهیلات خود را به بخش مسکن اختصاص دهند و حتی اگر اجرای این تکلیف دشوار باشد، با توجه به تأثیر ساخت مسکن بر رونق تولید و اقتصاد، باید به آن عمل کنند.

محمودی گفت: ساخت مسکن با تعداد زیادی از مشاغل و صنایع ارتباط دارد و می‌تواند زمینه رشد و فعالیت آنها را فراهم کند؛ بنابراین امیدواریم هرچه سریع‌تر بانک‌هایی که به تعهدات خود عمل نکرده‌اند، ملزم به اجرای قانون شوند.

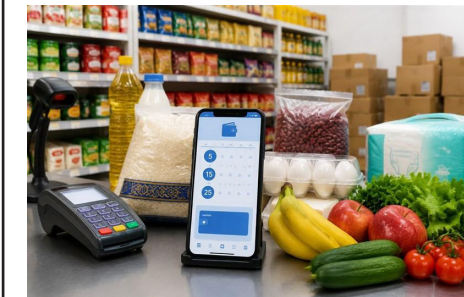
تداوم مشکلات مسکن مهر و نهضت ملی

عضو کمیسیون شورا‌های مجلس درباره علت تداوم پروژه‌های مسکن مهر نیز گفت: بخش عمده مسکن مهر در کشور به پایان رسیده و واگذاری‌ها انجام شده است، اما در شهر پردیس همچنان مشکلاتی وجود دارد.

وی افزود: پس از مسکن مهر، طرح اقدام ملی و نهضت ملی مسکن در دستور کار قرار گرفت و با وجود ثبت‌نام تعداد زیادی از متقاضیان، روند اجرای این طرح‌ها همچنان با کندی پیش می‌رود.

محمودی تأکید کرد: مجلس پیگیر رونق تولید و ساخت مسکن و همچنین اجرای تعهدات انجام‌شده در قبال متقاضیان است.

پیشنهاد افزایش رقم کالابرگ به ۲ میلیون از سوی کمیسیون اجتماعی مجلس



رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس از پیشنهاد افزایش مبلغ کالابرگ به ۲ میلیون تومان خبر داد و گفت: با توجه به شرایط اقتصادی و نوسانات نرخ ارز، پیشنهاد شده است در مقطع فعلی مبلغ کالابرگ برای هر نفر بین یک میلیون و ۵۰۰ هزار تا ۲ میلیون تومان تعیین شود.

علی بابایی رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی، درباره افزایش مبلغ کالابرگ اظهار کرد: در جلسات مشترک با احمد میدری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی و هم‌چنین در صحن علنی مجلس در حضور آقای قالیباف موضوع افزایش مبلغ کالابرگ به ۲ میلیون تومان، مطرح شده است. در این راستا، گزارش‌های لازم ارائه شد تا بر اساس شرایط موجود، اقدامات مقتضی صورت پذیرد.

وی افزود: بر اساس برنامه چشم‌انداز و پیش‌بینی‌های بودجه سال ۱۴۰۵، مبلغ کالابرگ برای هر نفر تقریباً دو میلیون و پانصد هزار تومان برآورد شده است. در این راستا، پیشنهاد شد که صحن علنی مجلس در حضور آقای قالیباف موضوع افزایش مبلغ کالابرگ به ۲ میلیون تومان، مطرح شده است. در این راستا، گزارش‌های لازم ارائه شد تا بر اساس شرایط موجود، اقدامات مقتضی صورت پذیرد.

رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس با تأکید بر لزوم اجرای دقیق و کامل قانون کالابرگ الکترونیکی، تصریح کرد: براساس قانون بودجه ۷۵۰ همت منابع مالی برای این موضوع در نظر گرفته شد، از این رو مبلغ کالابرگ باید به ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان به ازای هر نفر می‌رسید؛ لذا دولت به هر طریقی باید منابع کالابرگ را تأمین و پرداخت کند.

اقتصاد ایران در حالی سال‌ها با تورم بالا و رشد نقدینگی دست‌وپنجه نرم کرده که در یک سال گذشته، تشدید نااطمینانی و شوک‌های خارجی، به‌ویژه از مسیر نرخ ارز و انتظارات تورمی، نقش پررنگ‌تری در افزایش فشارهای قیمتی ایفا کرده است؛ روندی که نشان می‌دهد کنترل تورم دیگر صرفاً با ابزارهای پولی امکان‌پذیر نیست.

اقتصاد ایران برای بیش نیم قرن است که با تورم‌های دو رقمی و بالا دست و پنجه نرم می‌کند. اقتصاددانان در بلندمدت علت اصلی تورم را رشد نقدینگی می‌دانند. این در حالی است که اقتصاد ایران در یک سال گذشته تجربه‌ای را از سر گذرانده که رابطه متعارف نقدینگی و تورم به تنهایی نمی‌تواند وضیعت فعلی تورم در کشور را توضیح دهد.

به به عبارت دیگر از بهار سال گذشته که دو جنگ به کشور تحمیل شده، غبار نااطمینانی اقتصاد ایران را فراگرفته است. به طبع در زمانی که شوک‌های خارجی مکرر به اقتصاد وارد می‌شود و نا اطمینانی در اوج خود به سر می‌برد، صرفاً تغییرات نقدینگی نمی‌تواند تسببات فعلی تورم باشد.

به گزارش مهر، اکنون این سوال که مطرح می‌شود که در شرایط کنونی چگونه تورم کنترل خواهد شد؟ در شرایط عادی که نقدینگی علت اصلی تورم است، بانک مرکزی و سیاست‌گذار پولی با توجه به

ابزارهایی که برای کنترل نقدینگی در دست دارد، متولی اصلی کنترل تورم است. اما در زمان وقوع شوک‌های خارجی، عواملی تورم را تعیین میکند، که سیاست‌گذار پولی کنترل چندانی روی آن‌ها ندارد. در این گزارش به برخی از این عوامل پرداخته شده است.

نرخ ارز ؛ کانال انتقال شوک خارجی به قیمت داخلی

میانگین ماهانه دلار از حدود ۱۱۱ هزار تومان در مهر ۱۴۰۴ به ۱۶۳ هزار تومان در اسفند رسید (رشد ۴۷ درصد در ۶ ماه). دقیقاً هم‌زمان با تشدید تنش‌های نظامی در تحریب، در فروردین با موج امیدواری نسبت به مذاکرات، نرخ کمی افت کرد (۱۵۶ هزار تومان)، اما با از سرگیری تنش‌ها تا اردیبهشت و خرداد دوباره جهش کرد و در بازه مرداد تا شهریور، با تشدید دوباره نگرانی‌های امنیتی (تنگه هرمز، احتمال از سرگیری درگیری) از حدود ۱۸۹ به بیش از ۲۲۹ هزار تومان رسید، یعنی در یک سال، رشدی نزدیک به ۱۰۰ درصد. نکته مهم این‌جاست که جهش‌های نرخ ارز اغلب در بازه چند روزه و هم‌زمان با انتشار اخبار منفی رخ داده‌اند. به عبارت دیگر در یک سال سال گذشته عامل اصلی جهش‌های ارزی شوک‌های خارجی بوده تا عوامل بنیادین اقتصادی.

همچنین ارز هم مانند هر کالای دیگری در اقتصاد است، اگر کمیاب شود گران خواهد شد. ورود ارز به داخل کشور از ۲ مسیر اصلی است، نخست فروش نفت و دوم ارز حاصل از صادرات. در شرایط فعلی از دو مسیر در تنگای شدید قرار گرفته است.

آب که عقب رفت، چیزی آرام‌آرام از زیر آن بیرون آمد؛ ابتدا چند لکه خشکی، بعد پهنای گل‌آلود و نیمه‌باتلاقی و حالا رزینی که در بعضی نقاط، دیگر شباهی به بستر سابق خلیج گرانگاف ندارد. اینجا آکاز است؛ پهنای در شمال آشوراده که در چند سال گذشته چهره‌اش تغییر کرده و در برخی گزارش‌ها از آن به عنوان «دومین جزیره ایرانی دریای خزر» یاد شده است.

اواخر دهه ۱۳۹۰، آکاز هنوز آن چیزی نبود که امروز دیده می‌شود. سطح آب پایین رفته بود و قسمت‌هایی از بستر نمایان شده بود، اما وسعت خشکی محدود بود و بخش زیادی از منطقه همچنان حال و هوای یک پهنه مرطوب و باتلاقی داشت. با گذشت زمان، خشکی جلو آمد، پوشش گیاهی روی آن نشست و در نقاطی نیزار، گیاهان شورپسند و درختان گز شکل گرفتند.

مردم محلی از همان ابتدا این محدوده را «آکاز» می‌نامیدند؛ نامی که حالا بیشتر از گذشته بر سر زبان‌ها افتاده است. درباره ریشه نام نیز روایت‌هایی وجود دارد و برخی آن را به پوشش گیاهی منطقه مرتبط می‌دانند.

رقمی که امروز برای وسعت این پهنه مطرح می‌شود، حدود هزار و ۶۵۰ هکتار است؛ در حالی که در سال‌های نخست، صحبت از چند صد هکتار بود. البته این اعداد را نمی‌توان بدون توجه به زمان و شیوه اندازه‌گیری کنار هم گذاشت. مرز آب و خشکی در خلیج گرگان ثابت نیست و تفاوت تصاویر ماهواره‌ای، زمان برداشت و حتی تفاوت میان هر دو جغرافیایی و محدوده ثبتی، می‌تواند دلیل بخشی از این اختلاف باشد.

آکاز در کدام محدوده قرار دارد؟

آکاز را باید در شمال آشوراده و در محدوده‌ای میان شبه‌جزیره آشوراده، دماغه گرگان‌رود و حوالی خواجه‌نفس جست‌وجو کرد؛ پهنه‌ای که در مجاورت سواحل بندرترکمن قرار دارد و از شمال به کانال چاپلی و از جنوب به آراکانال یا کانال آشوراده می‌رسد.همین موقعیت باعث شده آکاز از یک سو بخشی از مجموعه طبیعی خلیج گرگان باشد و از سوی دیگر فاصله چندانی با سیرهای دسترسی مردم محلی و گردشگران نداشته باشد.

گاهی است تصاویر سال‌های مختلف این محدوده را کنار هم گذاشت تا تغییر چهره آن دیده شود. جایی که زمانی آب و گل و لای بیشتری داشت، حالا در قسمت‌هایی خشک شده و گیاه روی آن ریشه دوانده است. گزها در برخی نقاط قد کشیده‌اند و نیزارها بخش‌هایی از زمین تازه را پوشانده‌اند. آکاز دیگر صرفاً بستر نمایان‌شده یک پهنه آبی نیست؛ بخشی از آن به خشکی‌ای تبدیل شده که نشانه‌های حیات گیاهی در

حلقه بازخورد؛ نرخ ارز، انتظارات، و نقدینگی

آنچه شوک خارجی را خطرناک می‌کند، تبدیل‌شدنش به یک حلقه خودتقویت‌شونده است: کاهش ارزش ریال قیمت‌ها را بالا می‌برد؛ افزایش نرخ ارز انتظارات تورمی را تشدید می‌کند؛ انتظارات تورمی تقاضا برای ارز و دارایی‌های بادوام را افزایش می‌دهد؛ و این تقاضا دوباره بر ریال فشار می‌آورد. تحلیل‌ها نشان می‌دهد جنگ‌های ۱۲ روزه و ۴۰ روزه از مسیر «فعال کردن انتظارات تورمی و سپس رشد نقدینگی» فشار قیمتی را تشدید کرده‌اند.

سیالیت پول: علامت نااطمینانی

برای سنجش دقیق‌تر رفتار نقدشودنگی، متغیری با عنوان



سیالیت پول تعریف می‌شود: نسبت پول یا همان اسکناس و مسکوک و سپرده های دیداری، به شیوه‌ی (سپرده‌های غیردیداری و بلندمدت). این نسبت نشان می‌دهد به ازای هر واحد پس‌انداز قفل‌شده در سپرده‌های بلندمدت، چه میزان پول نقد و آماده‌به‌صرف در اقتصاد در گردش است؛ هرچه این عدد بالاتر باشد، بخش بیشتری از نقدینگی سیال و مستعد تبدیل سریع به کالای بادوام یا ارز است.

داده‌های بانک مرکزی نشان می‌دهد سیالیت پول در بازه ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۴ کاملاً همسو با جهش تنش‌های ژئوپلیتیک نوسان کرده است: این نسبت از ۳۲.۶ درصد در بهار ۱۴۰۳ به اوج ۳۴.۹ درصد در زمستان همان سال (هم‌زمان با تشدید نگرانی‌های امنیتی) رسید، سپس با فروکش موقت تنش‌ها در بهار ۱۴۰۴ به کف ۳۱.۵ درصد افت کرد، و از آن پس با از سرگیری و تشدید تدریجی بحران، به‌طور پیوسته صعود کرد تا در زمستان ۱۴۰۴ به رکورد ۳۴.۵ درصد برسد. این الگوی دقیقاً هم‌زمان با نوسانات نرخ ارز، نشان می‌دهد سیالیت پول یک شاخص پیشرو برای اندازه‌گیری اثر شوک خارجی بر رفتار نگهداری دارایی توسط خانوارهاست؛ در دوره‌های افزایش نااطمینانی، مردم پول خود را از سپرده‌های بلندمدت خارج و به‌شکل نقد یا شبه‌نقد نگه می‌دارند تا برای واکنش سریع به تغییرات قیمتی آماده باشند رفتاری که خود، دور

فرمان تورم در دست شوک‌های خارجی؛ نقدینگی دیگر تنها متهم نیست

بعدی فشار تورمی را تغذیه می‌کند.

سرعت گردش پول: تشدیدکننده نامرئی

سرعت گردش پول (نسبت GDP اسمی به نقدینگی) در شرایط عادی نسبتاً پابایات است، اما در دوره شوک افزایش می‌یابد؛ چون خانوارها و بنگاه‌ها به‌جای نگهداری پول، سعی می‌کنند سریع‌تر آن را به کالا یا ارز تبدیل کنند. با توجه به این‌که رشد نقدینگی (۵۳ درصد در پایان ۱۴۰۴) به‌مراستب از رشد GDP اسمی پیشی گرفته، و هم‌زمان سیالیت پول در حال افزایش است، شواهد غیرمستقیم نشان می‌دهد سرعت گردش پول نیز در این دوره صعودی بوده یعنی حتی بدون رشد بیشتر نقدینگی، صرف تغییر رفتار (کاهش تمایل به نگهداری پول) فشار تورمی را چند برابر کرده است.

سه‌گانه تورم، رشد نقدینگی و رشد نرخ ارز

همبستگی زمانی میان سه متغیر اصلی اسمی اقتصاد کلان گویاست. در بازه ۱۴۰۳ تا ۱۴۰۴، رشد نرخ ارز (خط نارنجی نمودار) همواره پیشتاز بوده و از فصل به فصل شتاب گرفته؛ رشد نقدینگی (خط آبی) با تأخیر و کندتر اما پیوسته دنبال کرده؛ و تورم نقطه‌به‌نقطه (خط پایینی) در بازه‌های تنش، جهش‌های ناگهانی داشته که با چرخه آرام نقدینگی همخوانی ندارد. به‌طور مشخص، از ابتدای ۱۴۰۳ تا پایان ۱۴۰۴، رشد نرخ ارز از ۲۳ به ۸۰ درصد رسیده (رشدی نزدیک به چهار برابر) در حالی که رشد نقدینگی تنها از ۲۷ به ۵۲ درصد رسیده است. این فاصله فزاینده میان دو خط، دقیقاً نشانگر نقش غالب شوک خارجی (از طریق نرخ ارز) نسبت به عامل پولی صرف است.

چرا عوامل برون‌زا در این دوره غالب‌اند؟

داده‌های رسمی بانک مرکزی نشان می‌دهد رشد نقدینگی نسبت به فصل مشابه سال قبل از حدود ۲۷ درصد در بهار ۱۴۰۳ به بیش از ۵۳ درصد در زمستان ۱۴۰۴ رسیده، یعنی تقریباً دو برابر شده است. اما نکته کلیدی این است که این جهش، نه تدریجی و خطی، بلکه دقیقاً از فصل بهار ۱۴۰۴ (هم‌زمان با تشدید تنش‌های ژئوپلیتیک و آغاز جنگ ۱۲ روزه) شتاب گرفته؛ از ۳۲.۴ درصد در بهار به ۳۶.۸ سپس ۴۰.۹ و در نهایت ۵۳.۳ درصد در پاییز و زمستان رسید. این الگو نشان می‌دهد شوک خارجی، خود رشد نقدینگی را نیز تشدید کرده یعنی جهت علت این‌بار از رویداد سیاسی به سمت متغیر پولی بوده، نه برعکس. این الگو با چرخه آرام و پیوسته سیاست پولی همخوانی ندارد، اما کاملاً با چرخه اخبار خارجی هم‌راست است. به بیان دیگر، نقدینگی در حال رشد شرط لازم تورم بالا را فراهم کرده، اما شوک خارجی شرط کافی برای شتاب‌گیری، زمان‌بندی و حتی تشدید خود رشد نقدیگی بوده است. تا زمانی که منبع نااطمینانی خارجی برطرف نشود، حتی انضباط پولی داخلی توسط بانک مرکزی به‌تنهایی نمی‌تواند انتظارات تورمی را مهار کند و در این شرایط دست‌سبک‌گذار پولی برای کنترل تورم خالی است، به عبارت دیگر کانال اصلی تورمی، دیگر صرفاً پول نیست، بلکه اعتماد به آینده روابط خارجی و انتظارات تورمی است.

روایت تولد سرزمین تازه در شمال / «جزیره دوم ایران» در دریای خزر کجاست؟

که هنوز جایگاه مشخصی در برنامه‌های توسعه و مدیریت سرزمین ندارد. همین وضعیت، آینده این پهنه را باز گذاشته است؛ نه ساخت‌وساز گسترده‌ای در آن شکل گرفته و نه کاربری مشخصی بر آن غلبه کرده است.

این شاید مهم‌ترین فرصت برای تصمیم‌گیری درباره آکاز باشد. پیش از آنکه جاده، تأسیسات، ویلا یا فعالیت‌های گسترده گردشگری راه خود را به این محدوده باز کنند، می‌توان مشخص کرد این زمین چه ظرفیتی دارد و چه بخش‌هایی از آن اساساً نباید دست‌کاری شود.

پوشش گیاهی، حیات‌وحش، وضعیت بستر، شرایط آب، تغییرات سطح ساحلی و حرم‌های حفاظتی، همه باید در یک تصویر واحد دیده شوند. نتیجه چنین بررسی‌ای می‌تواند تکلیف بخش‌های مختلف آکاز را روشن کند؛ اینکه کجا باید حضور گردشگر وجود دارد و کجا باید دست‌نخورده بایقی بماند.

آکاز؛ پدیده‌ای طبیعی با آینده‌ای نامشخص

آکاز در چند سال گذشته مسیری را طی کرده که کمتر نمونه‌ای شبیه آن را می‌توان در خلیج گرگان سراغ گرفت؛ از پهنه‌ای مرطوب و نیمه‌باتلاقی تا خشکی گسترده‌ای که وسعت آن حدود هزار و ۶۵۰ هکتار اعلام می‌شود، پوشش گیاهی پیدا کرده و حالا حتی پای گردشگران و بحث‌های حقوقی نیز به آن باز شده است.

اما هنوز نمی‌توان پایان این داستان را نوشت. آکاز در منطقه‌ای قرار گرفته که مرز آب و خشکی در آن تحت تأثیر شرایط طبیعی تغییر می‌کند و همین موضوع، هرگونه پیش‌بینی درباره آینده آن را دشوار می‌کند

برای مردم منطقه، آکاز می‌تواند یک مقصد تازه گردشگری باشد؛ برای فعالان محیط زیست، بخشی از زیست‌بوم حساس خلیج گرگان است و برای دستگاه‌های متولی، عرصه‌ای ملی که باید تکلیف حفاظت و بهره‌برداری از آن روشن شود. شاید به همین دلیل، اهمیت آکاز بیش از آنکه در عنوان «دومین جزیره ایرانی دریای خزر» خلاصه‌شود، در اتفاقی باشد که پیش چشم مردم رخ داده است: بخشی از بستر خلیج گرگان عقب نشسته، خشکی تازه‌ای شکل گرفته و طبیعت، بدون نقشه و مجوز، چهره تازه‌ای از این منطقه ساخته است. حالا نوبت تصمیم‌گیری است؛ اینکه این خشکی تازه چگونه مدیریت شود، چه میزان از آن در اختیار طبیعت بماند، گردشگران کجا و با چه ضوابطی وارد شوند و مالکیت و کاربری آن چگونه تعیین شود. پاسخ به این پرسش‌هاست که مشخص می‌کند آکاز در سال‌های آینده فقط یک پدیده طبیعی باقی می‌ماند یا به یکی از مقصدهای تازه گردشگری شمال کشور تبدیل خواهد شد.



نست.

گزارش‌هایی از غرق‌شدن افراد در این محدوده منتشر شده و همین اتفاق‌ها نشان می‌دهد که جذابیت ظاهری آکاز نباید خطرهای آن را پنهان کند. اگر قرار باشد این پهنه در آینده به مقصد گردشگری تبدیل شود، ایمنی باید پیش از هر چیز دیگری تعیین تکلیف شود؛ از استقرار نیروهای امدادی گرفته تا مشخص شدن محدوده‌های مجاز برای حضور و فعالیت در آب.

داستان آکاز فقط به تغییرات طبیعی و رفت‌وآمد گردشگران ختم نمی‌شود. حالا پای سند و مالکیت هم به میان آمده است. بر اساس گزارش‌های رسانه‌ای، برای عرصه‌ای حدود هزار و ۶۵۰ هکتاری که با عنوان «قوتون» نیز از آن یاد شده، سند مالکیت ملی صادر شده است. این سند به نام دولت و در اختیار مجموعه منابع طبیعی قرار گرفته است.

جزیره‌ای که هنوز جایگاه روشنی در برنامه‌های توسعه ندارد

آکاز در حالی آرام‌آرام به یک نام شناخته‌شده تبدیل شده

سیاسی ، فرهنگی ، اجتماعی و ورزشی

خبر

بازار داغ کارت اقامت برای واردات خودروهای لوکس؛ کسب سودهای دهها میلیاردی

هم‌زمان با فراهم شدن امکان واردات خودرو توسط ایرانیان مقیم خارج از کشور، بازار جدیدی پیرامون استفاده از کارت اقامت و انتخاب خودروهای دارای حاشیه سود بالا شکل گرفته است. بررسی تبلیغات منتشرشده در این زمینه نشان می‌دهد برخی فعالان این حوزه، مبالغ قابل توجهی را برای دریافت یا واگذاری کارت اقامت مطرح می‌کنند و در کنار آن، برای واردات برخی خودروهای لوکس سودهای چند ده میلیارد تومانی وعده می‌دهند.

بر اساس برخی تبلیغات، کارت اقامت بعضی کشورها با قیمت‌هایی بین یک تا ۱.۵ میلیارد تومان معامله می‌شود. در کنار این موضوع، به افراد واجد شرایط پیشنهاد می‌شود از ظرفیت قانونی خود برای واردات خودروهای خاص و گران‌قیمت استفاده کنند.

وعده سود ۲۰ تا ۳۰ میلیاردی برای خودروهای لوکس

بخش قابل توجهی از تبلیغات این بازار بر اختلاف قیمت خودرو در بازارهای خارجی و ایران متمرکز است. در برخی موارد، سود ۲۰ تا ۳۰ میلیارد تومان و حتی بیشتر برای واردات خودروهای لوکس مطرح شده است.

برای نمونه، درباره لکسوس LXV۰۰ هیبرید ادعا شده هزینه تمام‌شده واردات آن حدود ۶۰ میلیارد تومان و ارزش آن در بازار ایران حدود ۹۰ میلیارد تومان خواهد بود؛ بنابراین سود بالقوه‌ای در حدود ۳۰ میلیارد تومان برای واردکننده مطرح شده است.

مجلسین درباره برخی مدل‌های BMW سری ۷، مرسدس‌بنز کلاس S۵۰۰ و S۵۰۰ و برخی مدل‌های لندکروز هیبریدی نیز سودهایی در محدوده ۲۵ تا ۳۰ میلیارد تومان عنوان شده است.

البته این ارقام، ادعاهای مطرح‌شده در تبلیغات بازار واردات خودرو است و به معنای سود قطعی یا تضمین‌شده نیست؛ چراکه قیمت خودرو، هزینه حمل، حقوق ورودی، مالیات، عوارض، هزینه ترخیص و شرایط بازار داخلی می‌تواند سود نهایی را تغییر دهد.

تمرکز واردکنندگان بر خودروهای گران‌قیمت

در تبلیغات منتشرشده، به متقاضیان توصیه می‌شود به جای خودروهای معمولی، مدل‌های ر با انتخاب کنند که اختلاف قیمت آنها در بازار خارجی و ایران بیشتر است. لکسوس LXV۰۰ هیبرید، برخی مدل‌های BMW سری ۷، مرسدس‌بنز کلاس S و لندکروزهای هیبریدی از جمله خودروهایی هستند که از سوی فعالان این بازار مورد توجه قرار گرفته‌اند.

در مقابل، درباره برخی خودروهای متعارف مانند هیوندای النترا و سانتافه یا بعضی مدل‌های BMW، با توجه به اختلاف قیمت کمتر و هزینه‌های حمل و ترخیص، توجه جدی‌تر پایین‌تری مطرح می‌شود.

کارت اقامت؛ از مدرک اقامت تا ظرفیت اقتصادی

یکی از بخش‌های قابل توجه این بازار، شکل‌گیری تقاضا برای کارت اقامت است. اگر امکان واردات خودرو به داشتن اقامت کشور خارجی وابسته باشد، ارزش اقتصادی این اقامت افزایش پیدا می‌کند و زمینه برای ایجاد بازار واسطه‌ای جهت خریدوفروش یا واگذاری ظرفیت واردات فراهم می‌شود. در چنین شرایطی، موضوع فقط تعداد خودروهای واردشده نیست؛ بلکه باید مشخص شود چه میزان از این واردات واقعاً توسط ایرانیان مقیم خارج انجام می‌شود و چه مقدار از ظرفیت ایجادشده در اختیار واسطه‌ها و فعالان تجاری قرار گرفته است. از سوی دیگر، اختلاف قابل توجه قیمت برخی خودروهای لوکس میان بازار مبدأ و بازار ایران می‌تواند انگیزه اقتصادی بالایی برای استفاده از این ظرفیت ایجاد کند. زمانی که برای یک خودرو سود بالقوه چند ده میلیارد تومانی مطرح می‌شود، جذابیت استفاده از کارت اقامت نیز افزایش می‌یابد.

با توجه به ارقام مطرح‌شده در تبلیغات، شفافیت در فرآیند واردات اهمیت بیشتری پیدا کرده است. مشخص بودن هویت واردکننده، شرایط اقامت، منشأ ارز، خودروهای مجاز، سال ساخت، حقوق ورودی، عوارض و فرآیند ترخیص می‌تواند از شکل‌گیری بازارهای واسطه‌ای و رانت‌های احتمالی جلوگیری کند.همچنین در صورت ورود خودروهایی خارج از جارجوب ضوابط، لازم است دستگاه‌های مسئول درباره نحوه ورود و ترخیص آنها توضیح دهند؛ به‌ویژه در شرایطی که در تبلیغات از امکان ورود خودروهای خارج از محدوده قانونی یا سودهای بسیار بالا سخن گفته می‌شود.

در نهایت، واردات خودرو توسط ایرانیان خارج از کشور می‌تواند به افزایش عرضه و تنوع بازار کمک کند، اما رونق بازار کارت اقامت و تبلیغات سودهای چند ده میلیارد تومانی، ضرورت نظارت دقیق بر اجرای این فرآیند را افزایش داده است. تا ظرفیت قانونی واردات به ابزاری برای تجارت غیرشفاف و ایجاد رانت تبدیل نشود.

حراج پس‌انداز در بازار سایه؛ چرا طلای آنلاین خطرناک است؟



تب خرید میلی‌گرمی طلا که این روزها در میان مردم افزایش یافته، فراتر از یک خرید اینترنتی، به چالش‌های امنیتی پس‌اندازهای خرد تبدیل شده است. در حالی که برخی اپلیکشن‌ها با وعده حفظ ارزش پول، سرمایه مردم را جذب می‌کنند، ابهام درباره پشتوانه فیزیکی و نحوه فعالیت برخی از این پلتفرم‌ها نگرانی‌هایی ایجاد کرده است. آنچه خریدار در پتل کاربری خود می‌بیند، در صورت نبود پشتوانه کافی می‌تواند به یک تهدید صرفاً دفتری تبدیل شود و در شرایط نوسانی، ریسک‌های جدی ایجاد کند. گزارش‌های درباره خالی‌فروشی، مشکلات مربوط به عیار و حتی مسدود شدن برخی پلتفرم‌ها نیز بر نگرانی‌ها افزوده است.یکی از چالش‌های این بازار، ابهام در مسئولیت و نحوه نظارت نهادهای مختلف است. در چنین شرایطی، اختلال سامانه‌ها، حمله‌ای سایبری و نبود پاسخگویی روشن می‌تواند امنیت دارایی و اطلاعات کاربران را با مشکل مواجه کند. پرونده‌های کلاهبرداری مطرح‌شده از سوی پلیس فتا نیز ضرورت نظارت بیشتر بر این بازار را نشان می‌دهد.حفاظت از پس‌انداز در برابر تورم، نیازمند توجه به میزان شفافیت و پشتوانه دارایی است و صرفاً نباید بر تبلیغات تکیه کرد. در این میان، صندوق‌های طلای قابل معامله در بورس به‌عنوان یکی از گزینه‌های تحت نظارت بازار سرمایه، از سازوکارهای قانونی و نظارتی مشخص‌تری برخوردارند.

تداوم فعالیت پلتفرم‌های بدون چارچوب نظارتی شفاف می‌تواند ریسک‌های بیشتری برای سرمایه‌های خرد ایجاد کند؛ از این رو تعیین ضوابط روشن، احراز پشتوانه دارایی و نظارت مستمر بر طلای آنلاین اهمیت ویژه‌ای دارد.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: ابراهیم بهمنی جلالی

لیتوگرافی و چاپ شاخه سبز قم

تلفن تماس: ۰۳۳۸۵۵۰۰۳ – تلفکس: ۰۲۳۳۸۵۵۰۰۳

آدرس: خیابان شهدا– نیش خیابان پاستور

سیاسی ، اجتماعی ، فرهنگی و ورزشی

www.nasimnews.com



بازگشت چین به بازار نفت؛ پکن برای روزهای سخت انرژی آماده می‌شود

یک تحلیلگر بازار انرژی موج جدید خرید نفت چین را یک سیر دفاعی دانست و گفت: پکن تلاش می کند فعالیت پالایشگاه ها را حفظ، منابع تامین را متنوع و ذخایر راهبردی را محافظت کند و مانع از کاهش بیش از حد سریع حاشیه موجودی تجاری شود. روند افزایشی قیمت نفت در هفته های اخیر، رشد سریع فرآورده های نفتی بخصوص بنزین و گازوئیل را در اقصی نقاط جهان به دنبال داشته است به طوری که تحلیلگران این روند افزایشی را تحت تاثیر عواملی چون روند نزولی ذخایر راهبردی کشورهای بزرگ صنعتی بخصوص آمریکا، تداوم اختلال عرضه نفت از مبداء کشورهای خلیج فارس به دلیل انسداد تنگه هرمز، تحولات اخیر یمن و بسته شدن تنگه باب المندب به روی شناورهای عربستانی و مهمتر از همه آسیب دیدن خطوط انتقال نفت عربستان می دانند.

اما از سوی دیگر برخی دیگر از تحلیلگران از بازگشت بزرگترین خریدار نفت خام جهان به بازار انرژی خبر می دهند؛ چین که در ماههای پس از آغاز جنگ آمریکا علیه ایران با مدیریت تقاضای خرید، بر بازار قیمت های انرژی اثر گذاشت و مانع از جهش آن به سوی نفت ۲۰۰ دلاری شد، در هفته های اخیر برای خرید به بازارهای خرید جدید روی آورده است به طوری که شاخص ها از رشد بهای نفت خام در بورس شانگهای خبر می دهند که به حدود ۱۳۰ دلار در هر بشکه رسیده است.

افشین جوان تحلیلگر بازارهای انرژی در تحلیل شرایط پیش آمده در بازار نفت معتقد است که چین در هفته‌های اخیر با شتاب بیشتری برای خرید به بازار بین‌المللی نفت خام بازگشته اما همچنان این پرسش مطرح است که آیا پکن در حال بازسازی ذخایر عظیم نفتی خود است یا این خریدها موقتی است.

وی اظهار داشت: رصد بازارها گویای آن است که پالایشگاه‌های چینی خریدهای نقدی خود را از تولیدکنندگان غرب آفریقا، کانادا و آمریکای جنوبی افزایش داده‌اند و معامله‌گران از تشدید رقابت برای محموله‌های نفت خام عازم آسیا خبر می‌دهند.

چین با سطحی بی سابقه از تاب آوری انرژی با بحران تنگه هرمز روبرو شد

وی ادامه داد: در نگاه نخست چنین به نظر می رسد که چین پس از ماه‌ها اختلال در جریان عرضه نفت ناشی از بحران تنگه هرمز، قصد دارد نفت بیشتری بخرد تا ذخایر استراتژیک خود را پر کند اما تحلیل داده ها بیانگر آن است که هدف اصلی، جلوگیری از کاهش بیشتر در زمینه ذخایر نفتی داشت و می توان گفت با یک برنامه مدون انباشت نفت خام با سطحی بی سابقه از تاب آوری و آمادگی وارد تنش های تنگه هرمز شد.

چین وارد مرحله بازسازی پایدار ذخایر ملی خود نشده است

جوان در عین حال با رد برخی دیدگاهها که معتقدند چین وارد مرحله بازسازی ذخایر خود شده است، گفت: تداوم یافتن روند افزایشی شاخص ذخایر نفت خام بنادر چین گویای آن است که چین بیشتر به دنبال پر کردن کوتاه مدت برخی مخازن تجاری خود بوده و آغاز پایدار افزایش ذخایر ملی را دنبال نکرده است. وی با یادآوری اینکه چین برخلاف آمریکا، اطلاعات ذخایر نفت خام ملی را به صورت هفتگی منتشر نمی کند، افزود: تغییرات حاصل از تفاضل واردات منهای مصرف پالایشگاهی که گاه به عنوان تغییر ضمنی ذخایر شناخته می‌شود، نباید به طور خودکار معادل تغییر فیزیکی ذخایر نفت خام چین تلقی شود. این کارشناس انرژی به رشد تقاضای پالایشگاهی اشاره کرد و با بیان اینکه رشد این تقاضا مانع افزایش سریع ذخایر می‌شود،



نمی‌ماند زیرا عواملی چون بهبود حاشیه سود پالایش، جذاب‌تر شدن اقتصاد تولید گازوئیل و تقویت تقاضای فرآورده‌ها نیز پالایشگاه‌ها را به افزایش خوراک تشویق کرده است. وی افزود: وقتی حجم فرآورش پالایشگاهی افزایش یابد، ورود نفت خام باید پیش از این تقاضای پالایشگاهی باشد تا به تقویت ذخایر کمک کند در غیر این صورت حتی اگر حجم خرید نفت خام رشد کند و در عین حال مصرف پالایشگاهی هم روند صعودی داشته باشد، ذخایر نفتی چین افزایش نخواهد یافت.

چین در پی متنوع سازی بازارهای نفتی

جوان در ادامه به گزارش رویترز استناد کرد که بر اساس آن پالایشگاه‌های مستقل چین به تازگی بیش از ۲۰ میلیون بشکه نفت خام از غرب آفریقا، کانادا و آمریکای جنوبی خریداری کرده‌اند و در این باره توضیح داد: این خریدها منعکس‌کننده تلاش روزافزون برای کاهش وابستگی به مسیرهای عرضه‌ای است که تحت تاثیر تنش‌های ژئوپلیتیکی، تحریم‌ها یا محدودیت‌های حمل‌ونقل قرار گرفته‌اند.

وی خاطر نشان کرد: در شرایط کنونی دسترسی به برخی محموله‌ها از خلیج فارس دشوارتر شده و بخشی از جریان نفت روسیه نیز پیچیده‌تر یا پرهزینه‌تر شده است و به همین دلیل پالایشگاه‌های چینی در حال متنوع‌سازی گسترده‌تر سبد تامین خود هستند.وی این اقدام را بخشی از راهبرد امنیت انرژی چین توصیف کرد و افزود: روشن نبودن آینده تنگه هرمز، آسیب‌پذیری ناشی از وابستگی چین به نفت خام دریاورد خاورمیانه را برجسته کرده است زیرا این کشور بزرگترین واردکننده نفت خام جهان است و نمی خواهد در برابر اختلال در عرضه نفت آسیب پذیر باشد.

پکن تمایلی به مصرف سریع ذخایر راهبردی ندارد

این کارشناس انرژی با بیان اینکه پکن تمایل دارد از ذخایر راهبردی خود محافظت کند، خاطر نشان کرد: به نظر می‌رسد پکن ترجیح می دهد تا با ذخایر تجاری، موجودی پالایشگاه‌ها و خرید نفت خام از منابع جایگزین، بخش بزرگی از شوک اولیه را جذب کند و به دنبال مصرف ذخایر راهبردی خود نیست. جوان الگوی در حال شکل‌گیری را بهترین شکل خرید دفاعی در شرایط کاهش ذخایر و افزایش خوراک پالایشگاهی توصیف کرد و گفت: افزایش حاشیه سود فرآورده‌های پالایشگاهی سبب شده تا وقتی مسیرهای سستی از خاورمیانه با اختلال روبرو باشند، پالایشگاه‌های مستقل به سمت نفت خام جایگزین حرکت کنند

به طوری که نتیجه این وضعیت خرید تهاجمی‌تر نفت خام است. وی افزود: اگر معامله‌گران هر افزایش خرید چین را به عنوان انباشت ذخایر تفسیر کنند، ممکن است مصرف واقعی نفت این کشور را کمتر از واقع و حاشیه اضطراری آن را بیشتر از واقع برآورد کنند.

سه مسیر پیش روی پکن برای تضمین امنیت انرژی

این تحلیلگر بازار انرژی با بیان اینکه داستان ذخایر چین در سال ۲۰۲۷ می‌تواند اهمیت بیشتری پیدا کند، سه مسیر کلی قابل تصور برای آن تشریح کرد و گفت: در سناریوی عادی‌سازی، شرایط حمل‌ونقل در خلیج فارس و تنگه هرمز به طور قابل توجهی بهبود می‌یابد و دسترسی به نفت خام پائیات‌تر می‌شود. در این شرایط، چین می‌تواند ذخایری را که طی سال ۲۰۲۶ کاهش یافته‌اند، به شکل هدفمند بازسازی کند.

جوان افزود: نکته جالب آن است که بازگشایی کامل تنگه هرمز می‌تواند خود به منبع جدیدی از تقاضای نفت تبدیل شود. وقتی مسیرهای عرضه عادی شوند، چین ممکن است همزمان با تامین خوراک پالایشگاه‌ها، مخازن خود را نیز با سرعت بیشتری پر کند. چنین روندی می‌تواند بخش قابل توجهی از بشکه‌های بازگشته از خاورمیانه را جذب کند و مانع از آن شود که بازار جهانی به همان سرعتی که برخی انتظار دارند وارد وضعیت مزاد عرضه شود.

جوان اضافه کرد: سناریوی دوم، عادی‌سازی ناقص و تدریجی است. در این مسیر، ذخایر چین ممکن است در بخش نخست ۲۰۲۷ همچنان کاهش پیدا کند، سپس تثبیت شود و در نیمه دوم سال به تدریج بهبود یابد. در این وضعیت، چین میان حفظ فعالیت پالایشگاه‌ها، حفاظت از ذخایر راهبردی، متنوع‌سازی منابع عرضه و بازسازی ذخایر در زمان مناسب از نظر قیمت و لجستیک تعادل برقرار خواهد کرد.

این تحلیلگر نفت و انرژی گفت: سناریوی سوم بسیار دشوارتر است. اگر محدودیت‌های مرتبط با تنگه هرمز یا اختلالات گسترده‌تر ژئوپلیتیکی در سال ۲۰۲۷ ادامه یابد، چین ممکن است با وجود تنوع‌بخشی شدید به منابع تامین همچنان ناچار به برداشت از ذخایر باشد. در این حالت، نرخ فعالیت پالایشگاه‌ها نیز شاید باید با میزان واقعی دسترسی به نفت خام تطبیق داده شود. چنین افتی حاشیه امنیت انرژی چین را به طور محسوسی کاهش می‌دهد و می‌تواند تمایل پکن به مداخله فعال‌تر در قراردادها و ترییات بین‌المللی عرضه نفت را افزایش دهد.

بزرگ‌ترین شگفتی بازار نفت شاید پس از پایان بحران رخ دهد

جوان با ترسیم آینده نفتی چین اظهار داشت: اگر چین سال ۲۰۲۶ را با ذخایری به مراتب پایین‌تر از سطح پیش از بحران به پایان برساند، عادی‌شدن تردد در تنگه هرمز می‌تواند آغازگر یک برنامه بزرگ بازسازی ذخایر باشد که لایه جدیدی از تقاضا را در بازار ایجاد خواهد کرد و بشکه‌های بیشتری دوباره به بازار بازمی‌گردند.

وی خاطر نشان کرد: اگر افزایش خرید نفت از سوی چین برای چند هفته متوالی افزایش یابد به طوری که ذخایر نفت خام بندری همراه با رشد نرخ استفاده از مخازن همزمان رشد کنند، می توان گفت که این کشور وارد مرحله بازسازی واقعی ذخایر خود شده است.

به گفته جوان، نرخ فعالیت پالایشگاه‌های مستقل، سطح مخازن شاندونگ، واردات گمرکی، ورود نفت خام از مسیر دریا، خوراک پالایشگاه‌ها، نرخ کرایه نفتکش‌ها و اختلاف قیمت نفت خام خاورمیانه از شاخص‌های کلیدی در ارزیابی استراتژی نفتی چین به شمار می‌روند.

این کارشناس انرژی با تاکید بر اینکه تحولات تنگه هرمز همچنان متغیر اصلی در بازار نفت است، اظهار داشت: هر بهبود در تردد کشتی‌ها و افزایش قابلیت دسترسی به نفت خام، توان چین برای عبور از سیاست حفظ ذخایر به سمت بازسازی ذخایر را افزایش می‌دهد.

یکشنبه ۲۹ شهریور۱۴۰۵ –۸ربیع الثانی ۱۴۴۸ – ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۶ – شماره ۷۸۴۲

	
یکشنبه ۲۹ شهریور۱۴۰۵	
اذان صبح : ۰۴:۳۱	
طلوع آفتاب : ۰۵:۴۷	
اذان ظهر : ۱۲:۰۷	
غروب آفتاب : ۱۸:۲۸	
اذان مغرب : ۱۸:۴۷	
نیمه شب : ۲۳:۲۵	

nasimgilan۷۶@yahoo.com

دیلی تلگراف:

ایران می‌تواند آمریکا را از خاورمیانه بیرون کند



نشان داده است حضور گسترده نیروهای آمریکایی می‌تواند در صورت وقوع درگیری، کشورهای میزبان را نیز در معرض حملات قرار دهد.

این روزنامه همچنین به توافق‌های دفاعی عربستان با پاکستان و ترکیه اشاره کرده و آن را نشانه‌ای از تلاش ریاض برای متنوع کردن گزینه‌های امنیتی خود دانسته است: اقدامی که لزوما به معنای قطع همکاری با واشنگتن نیست.

جائش یک راهبرد چند دهه‌ای

در بخش پایانی این تحلیل آمده است که راهبرد آمریکا در خلیج فارس طی چند دهه بر حضور مستقیم نظامی و ایجاد شبکه‌ای از پایگاه‌ها، بنادر و مراکز لجستیکی استوار بوده است، اما جنگ با ایران نشان داده همین شبکه گسترده می‌تواند در زمان درگیری به یک نقطه ضعف راهبردی تبدیل شود.

دیلی‌تلگراف نتیجه می‌گیرد که واشنگتن اکنون با این پرسش روبروست که آیا ادامه الگوی حضور نظامی گسترده در خاورمیانه همچنان امکان‌پذیر و مقرون‌به‌صرفه است یا آمریکا ناچار خواهد شد در راهبرد خود در منطقه تجدیدنظر کند.

معاون سیاسی وزیر کشور :

دوقطبی سازی جفا به منافع ملی است؛ مجلس طرح ساماندهی تجمعات را سریع‌تر بررسی کند



وی درباره طرح ساماندهی تجمعات اظهار کرد: این طرح در ابتدا به صورت لایحه دولت مطرح شد و پس از توافق با مجلس در قالب طرح در حال پیگیری است. تاکنون ۱۳ جلسه مشترک با کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس برگزار شده و پیشنهاد مشترکی برای قانون ساماندهی تجمعات تدوین شده است. معاون سیاسی وزیر کشور افزود: دو هفته پیش با امضای وزیر کشور از مجلس درخواست کردم بررسی مواد این طرح در صحن مجلس در اسرع وقت در دستور کار قرار گیرد.

بحران دو گلوگاه نفتی؛ هرمز و باب‌المندب در گانون بازار انرژی



مدیریت‌شده». در سناریوی سوم، نه جنگی تمام‌عیار شکل می‌گیرد و نه صلحی پایدار؛ بلکه تنش‌های پراکنده و ریسک بالایی بازار انرژی ادامه خواهد داشت.چین، اروپا، عربستان و امارات از جمله بازیگران مهم این تحولات هستند و آینده بحران به روند تحولات امنیتی منطقه، وضعیت کشتیرانی در دو تنگه و مسیر مذاکرات ایران و آمریکا وابسته خواهد بود.

عراقچی خطاب به همتای فرانسوی: اشک تمساح پس است



وزیر امور خارجه فرانسه در ادعاهایی مداخله‌جویانه ایران را منتهم به نقض حقوق بشر کرده بود.

اختلافات میان کنگره و هگست بر سر جنگ علیه ایران بالا گرفت

در مجلس نمایندگان برای استیضاحش جان سالم به در برد چرا که رئیس مجلس جلسات آن را به بعد از انتخابات میان دوره ای آمریکا در ۳ نوامبر موکول کرده است.توماس مسی نماینده جمهوری خواه آمریکا در ۱۵ سپتامبر با درخواست برای استیضاح هگست تاکید کرد که وی بدون مجوز کنگره به تجاوز علیه ایران ادامه می دهد. تعدادی از قانون گذاران معتقدند تنش با وزیر جنگ آمریکا می تواند تلاش های پنتاگون برای دستیابی به بودجه اضافی را با مانع رو به رو کند. به تازگی نیز کمیسیون نیروهای مسلح در سنا که اکثریت اعضای آن را جمهوری خواهان تشکیل می دهند با حمایت از شون بارنیل معاون هگست برای تصدی پست وزیر ارتش مخالفت کرده بود.

روزنامه انگلیسی «دیلی‌تلگراف» در تحلیلی با اشاره به خسارت‌های واردشده به پایگاه‌های آمریکا در منطقه در پی حملات ایران نوشت: جنگ، راهبرد چند دهه‌ای واشنگتن در غرب آسیا را زیر سؤال برده و کشورهای عربی را به بازنگری در اتکای امنیتی خود به آمریکا واداشته است.

به گزارش فارس، «دنیل دپتیرس» تحلیلگر دیلی‌تلگراف، با اشاره به آسیب‌های واردشده به پایگاه‌های آمریکا در منطقه اظهار کرد که تأسیساتی که واشنگتن برای حفظ برتری نظامی و بازدارندگی ایجاد کرده بود، اکنون به نقاط آسیب‌پذیر تبدیل شده‌اند.بر اساس این گزارش، صدها ساختمان و سازه در پایگاه‌های آمریکا در کشورهای مختلف منطقه آسیب دیده یا تخریب شده‌اند و تصاویر ماهواره‌ای نیز خسارت به پایگاه‌هایی از جمله پایگاه هوایی شاهزاده سلطان در عربستان و مقر ناوگان پنجم آمریکا در بحرین را نشان می‌دهد.

این تحلیل می‌افزاید که این خسارت‌ها تنها یک مسئله مالی یا عمرانی نیست، بلکه یکی از پایه‌های راهبرد نظامی آمریکا در خاورمیانه را هدف قرار داده است. واشنگتن پس از جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱، شبکه گسترده‌ای از نیروها، هواپیماها، تجهیزات و تأسیسات لجستیکی را در کشورهای منطقه مستقر کرد تا از منافع خود و متحدانش حفاظت کند.

با این حال، به نوشته دیلی‌تلگراف، جنگ با ایران نشان داده است که همین پایگاه‌ها در زمان درگیری می‌توانند به اهداف ثابت و قابل شناسایی تبدیل شوند. توسعه توان موشکی ایران نیز هزینه حفظ حضور نظامی آمریکا در منطقه را افزایش داده و واشنگتن را به استفاده گسترده‌تر از سامانه‌های دفاع هوایی و موشک‌های رهگیر واداشته است.

تغییر مقاله امنیتی شورهای عربی

دیلی‌تلگراف در ادامه پرسیده است که آیا اتکا به یک قدرت خارجی برای تأمین امنیت کشورهای عربی همچنان می‌تواند نقش گذشته را ایفا کند یا خیر.

بر اساس این تحلیل، عربستان، امارات و قطر ناچارند درباره آینده ترییات امنیتی منطقه بازنگری کنند؛ به‌ویژه آنکه جنگ

معاون سیاسی وزیر کشور با تاکید بر ضرورت تقویت انسجام ملی گفت: هرگونه دوقطبی‌سازی کاذب، جفایی بزرگ به منافع ملی است و نباید با ادبیات تند و ایجاد نفرت، انسجام اجتماعی و ملی را خدشه‌دار کرد.

علی زینی‌وند در نشست خبری با اشاره به فرارسیدن هفته دفاع مقدس اظهار کرد: روایت دقیق وقایع دفاع مقدس و حوادث اخیر اهمیت زیادی دارد و همه اقشار جامعه، از رسانه‌ها و خبرنگان تا هنرمندان و ورزشکاران، در مقابله با روایت‌های جعلی و اخبار نادرست مسئولیت دارند.

وی با بیان اینکه انسجام ملی به معنای نادیده گرفتن تفاوت‌ها نیست، افزود: باید دایره مشارکت را گسترش دهیم تا همه ایرانیان با سلاطی، اقوام، مذاهب و آداب و رسوم مختلف، احساس تعلق به کشور داشته باشند.

سختگیری وزارت کشور تصریح کرد: کشور همزمان با یک جنگ پیچیده و چندوجهی روبروست و در کنار تقویت توان دفاعی، باید از ظرفیت دیپلماسی برای تأمین حقوق ملت و دفاع از منافع ملی استفاده کرد. در این شرایط، متهم کردن نیروهای نظامی به جنگ‌طلبی یا نسبت دادن سازش‌کاری و خیانت به مسئولان سیاسی، نمونه‌ای از دوقطبی‌سازی آسیب‌زاست.

زینی‌وند درباره تأمین کالاهای اساسی نیز گفت: در این حوزه مشکل جدی وجود ندارد و روند ورود کالا با جدیت دنبال می‌شود، هرچند گرانی‌ها موجب نگرانی و ناراحتی مسئولان است.